



هفت راز کلیسا

۳ - راز قربانی مقدس (بدن و خون مسیح) منشأ فیض رشد کردن و تقویت اتحاد ما با عیسی مسیح می باشد.

۴ - راز توبه فیض بخشش گناهان و آشتی کردن با خدا و کلیسا (جماعت ایمانداران) به ما عطا می نماید.

۵ - راز دستگذاری کهناتی که شامل سه درجه شماس انجیلی و کشیش و اسقفی می باشد ، فیض وقف زندگی جهت خدمت کلیسا از طریق دعا و اعلام مژده انجیل به همه ملتها به ما می بخشد.

۶ - راز ازدواج فیض وفادار ماندن نسبت به پیمان ازدواج و همچنین تشکیل خانواده مسیحی را به ما عطا می نماید.

۷ - راز روغن مریضان فیض شفا یافتن و امید داشتن به زندگی جاودانی را به ما عطا می کند.

این هفت راز مقدس که طبق خواسته نجات دهنده مان عیسی مسیح شکل گرفته جهت تقویت و استحکام بخشیدن به بدن مقدس او یعنی کلیسا می باشند. بنابراین میشود گفت که مجموعه این رازها به یک راز واحد اشاره می کند که حضور اسرار آمیزی و حقیقی مسیح (داماد) در کلیسا (عروس) می باشد. توسط رازهای هفتگانه ، عیسی مسیح بوسیله کلیسایش ، فیض نجات را در هر زمان و هر مکان به همه مردم میرساند. طبق تعالیم

دوستان گرامی ، مقاله این «پیام» جهت تعمق در هفت راز کلیسا اختصاص داده شده است . امیدوارم مفید و ثمر بخش برای همه خوانندگان عزیز واقع شود. هفت راز کلیسا که ثمره مرگ و رستاخیز خداوندمان عیسی مسیح است نشانه بارز حضور زنده وی در میان جماعت ایمانداران (کلیسا) می باشد. ایشان به شاگردانش فرموده بود: "بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم" (انجیل متی باب ۲۸ آیه ۲۰) .

حضور فعال عیسی در کلیسا توسط هفت راز مقدس علامت محبت اوست برای ما و از این راه می خواهد به ما بگوید: او شبان نیکوست که گوسفندان خود را حفاظت می کند. آنها را می چراند و از گرگهای درنده نگهداری می نماید (رجوع شود به انجیل یوحنا باب ۱۰) .

عیسی مسیح در بطن کلیسایش چشمه آب حیات را باز کرد تا اینکه ایمانداران از آن بنوشند و زنده بمانند. (رجوع شود به انجیل یوحنا باب ۷ آیه ۳۷-۳۹) .

چشمه آب حیات همان هفت راز کلیسا می باشد که عبارت است از :

۱ - راز تعمید که فیض تولد دوباره و زندگی مسیحی را به ما عطا می کند.

۲ - راز تثبیت در روح القدس (میرون) که فیض استوار ماندن در ایمان و شهادت دادن به مسیح تا پایان زندگی به ما می بخشد.

ستایش می کند. از روح القدس با کمال فروتنی و اصرار درخواست کنیم تا ما را در تمام حقیقت که در رازهای هفتگانه کلیسا نهفته است هدایت نماید. بدون او این رازها به نوعی سحر و جادو بنظر می آید ، لیکن با هدایت او به هفت چراغ روشن که نور مسیح را به کل جهان پخش می کنند در میابند . از ته قلب خدا رابرای عطیه گرانبهای هفت راز مقدس کلیسا شکر و سپاس گوئیم .

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



کلیسای مقدس ، لیست این رازها در قرن شانزدهم میلادی در شورای اسقفان «ترانت» تأیید و تثبیت گردید، در ضمن عدد ۷ نشانگر و رمز کمال و تمامیت می باشد. دوستان عزیز : فیض هفت راز کلیسا ما را از بدو زندگی (راز تعمید) تا انتهایش (راز روغن بیماران) همراهی می کند تا از هرگونه گمراهی و انحراف مصون و دور بمانیم ، همچنین به ما قدرت غلبه بر وسوسه های این جهان عطا می کند. اما باید بدانیم برای اینکه هر کدام از این رازهای مقدس منشأ فیض و برکت باشد باید آنرا با ایمان عمیق و عشق و علاقه دریافت نمود در غیر اینصورت دریافتنش نه فقط هیچ فایده ای ندارد بلکه گناه محسوب میشود. پولس رسول درباره پذیرفتن راز قربانی مقدس می فرماید : "بنابراین اگر کسی به طور ناشایست نان را بخورد و پیاله را بنوشد ، نسبت به بدن و خون خداوند مرتکب گناه خواهد شد. بنابراین هر کسی باید خود را بیازماید آنوقت از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد. زیرا کسیکه معنی و مفهوم بدن مسیح را درک نکند و از آن بخورد و بنوشد با خوردن و نوشیدن آن خود را محکوم میسازد" (رساله اول به قرنتیان باب ۱۱ آیه ۲۷-۲۹).

به همین دلیل کلیسای مقدس از ایمانداران می خواهد تا قبل از اینکه در برگزاری مراسم هر کدام از رازهای هفتگانه شرکت نمایند خود را از راه دعا ، توبه و قرائت کلام خدا آماده سازند تا مانند عروس که خود را با کارهای نیک و محبت آمیز آراسته کرده بسوی دامادش شادمانه میرود . بدانیم که آیین هفت راز کلیسا ما را به یاد تمامی کارهای خداوندان عیسی مسیح که برای نجات ما انجام داد می اندازد ، یعنی انسان شدنش ، رسالت تبشیری اش ، رنج و مرگ و رستاخیزش . توسط این رازهای مقدس ، کلیسا مهمترین و پر فیضترین کاریکه خدای مهربان برای تمامی بشریت انجام داد احیا و

راز شاد زیستن

روزی دختر جوانی در چمنزاری قدم می‌زد و پروانه‌ای را لابه‌لای بوته خاری گرفتار دید. او با دقت زیاد پروانه را رها کرد و پروانه پرواز کرد و سپس بازگشت و تبدیل به یک پری زیبا شد و به دختر گفت: به خاطر مهربانیت هر آرزویی که داشته باشی برآورده خواهم کرد.

دخترک لحظاتی فکر کرد و گفت: من می‌خواهم شاد باشم. پری سرش را جلو آورد و در گوش دختر چیزی گفت و بعد ناپدید شد.

موقعی که دختر بزرگ شد، در آن سرزمین کسی شادتر از او وجود نداشت. هرگاه کسی از او درباره راز شادی‌اش سؤال می‌پرسید لبخند می‌زد و می‌گفت: من فقط به حرف پری خوب و مهربان گوش کردم.

موقعی که پیر شد، همسایه‌ها می‌ترسیدند او بمیرد و با مرگش رازشگفت‌انگیز شادی نیز با او دفن شود. آنها به او التماس می‌کردند: تو را به خدا به ما بگو پری به تو چه گفت؟

به نظر شما پری به دختر چی چیز گفته بود؟

پیرزن دوست داشتنی، فقط لبخند زد و گفت: او به من گفت "اصلاً مهم نیست آدمها که باشند و چقدر سعادت‌مند به نظر برسند، آنها هر که باشند به من نیاز دارند!"

واقعیت وجود انسان چیزی فراتر از تصورات ذهن بشریست. زمانی که خداوند انسان را خلق می‌کرد، به فکر تفریح و یا سرگرمی خود نبود. بلکه انسان را برای هدف بسیار بالایی خلق کرد. ما با کم شمردن خود علاوه بر اینکه خود را در غم و غصه فرو می‌بریم، بلکه حتی به خداوندی که انسان را آفرید و او را بالاترین مخلوق خود نامگذاری کرد بی‌احترامی می‌کنیم. فقط کافیست تا ما هم به حرف پری گوش کنیم:

مهم نیست که چه کسی هستی، کجا هستی، ثروت داری، از نظر دیگران مهمی، مهم نیست اطرافیان شما چه کسانی باشند، دکتر، مهندس، فقیر و یا غنی فقط یک چیز مهم است:

دیگران هر که باشند به من نیاز دارند.

فقط اینگونه با ایمان داشتن به اینکه خداوند ما را برای هدفی معین و بزرگ آفریده شاید بتوانیم قدر نعمت بزرگ الهی (زندگی) را بدانیم. و این تنها راه رسیدن به آن هدف بزرگ است.

راز مرگ و زندگی

راز مرگ: دیر یا زود هر انسانی با مرگ مواجه می شود. برای همه مرگ راز بزرگی است.

اما به راستی چرا باید "زندگی" متوقف شود؟
آیا مردن یک پدیده صرفاً "بد" است؟

مرگ و زندگی: معمولاً فکر می کنیم مرگ بر خلاف زندگی است، اما هر جا زندگی باشد، آنجا مرگ نیز حاضر است. حقیقتاً این دو همه جا باهمند!

یک قانون برای همه: هرچه زنده است روزی می میرد: متولد می شود، رشد می کند، پیر می شود و بعد می میرد. البته میزان عمر نزد جانداران متفاوت است: یک پروانه برای چند روز یا حداکثر چند ماه زنده است، اما درختی مثل بلوط تا دو هزار سال عمر می کند.

جسمی که خاموش می شود: دیگر در او نفس نیست، سرد و بی حرکت است، نه احساس و نه اندیشه ای. آری حیات جسم را ترک گفته و اکنون چنین جسمی رو به فساد می نهد و در دل خاک، خاک می شود.

یک ترس طبیعی: ... اگر مرگ یک اتفاق طبیعی است و بخشی از زندگی یک جاندار است، پس چرا از مرگ می ترسیم؟

۱. ترس از نبودن!

هریک از ما خودش را "تک"، مهم و غیر قابل جایگزینی" می داند. تصور اینکه روزی مثل غباری از میان می رویم در حقیقت برای ما قابل قبول نیست.

۲. ترس از جدایی!

ما با کسانی زندگی می کنیم که به آنها بی نهایت علاقمندیم. کافی است مدتی از ایشان جدا شویم، آنوقت دچار دلنگی شدیدی می گردیم. تصور اینکه از ایشان برای همیشه جدا شویم قابل تحمل نیست.

۳. ترس از بیماری و نهایتاً ترس از آنچه پس از مرگ ممکن است رخ دهد!

درد و رنج حاصل از بیماری، پدیده ایست که در خلال حیات شاهد آن هستیم چه برای دیگران چه در مورد خودمان و وقتی به مرحله آخر برسد فکر اینکه آنسوی مرگ چه در انتظار ما است، خود درد کمی نیست!

وقتی عزیزی از دست می رود، آدمی دچار شوک می شود و حتی دچار خشم و یأس. البته هر کس عکس العمل خاص خودش را دارد... از آن لحظه عزا آغاز می شود.

مرگ دیگری، عموماً تکان دهنده است: از یک سو یک زندگی پایان می یابد و از سوی دیگر زندگی اطرافیان آن مرحوم، زیرو رو می شود. هرچه بیشتر شخص از دست رفته به ما نزدیک باشد، مرگ وی بنظرمان یک ظلم، یک واقعه غیر منتظره می رسد و در ما به شدت ظغیان می آفریند: طوفانی از اشک و خشم و فریاد و سکوت... شخص عزادار احساس می کند که بخشی از وجودش را از دست داده است. اما با گذشت زمان، مصیبت وارده تسکین می یابد و صندوقچه خاطراتش مبدل به گنج زندگی می گردد. پس بیائید قبل از اینکه از دستشان بدهیم، دوستشان داشته باشیم...

... پس از مرگ

اعتقاد به اینکه مرگ آخر راه باشد و یا اینکه بعد از آن شروع دیگریست... برای هر ملتی یکی نیست. بعضی معتقدند که بعد از مرگ چیزی نیست و با مرگ همه چیز پایان می یابد. بعضی مثل بودایی ها و هندوها اعتقاد دارند که همه جانداران یک طبیعت الهی دارند. بعد از هر باری که می میرند در جسم و شکل دیگری دوباره به جهان می آیند و آنقدر این اتفاق می افتد که آن روح به تطهیر کامل برسد و وارد ابدیت شود.

یهودیان و مسیحیان و مسلمانان اعتقاد به حیات پس از مرگ دارند. زیرا برای هر سه ایشان خدا تنها سرچشمه حیات است. مامسیحیان به رستاخیز بدنهای ایمان داریم. این اعتقاد بنا بر رستاخیز مسیح مصلوب شده است که بر رسولانش ظاهر شد و با آنان به غذا نشست. بنابراین رستاخیز یا برخاستن از مرگ برای ما به معنی بیدار شدن از خواب است. مرگ پایان همه چیز نیست بلکه آغاز یک "زندگی کامل" در خداست.

دوستان این حقیقت دارد که هرچه آدم مسن تر می شود بیشتر متوجه می شود که زندگی چقدر کوتاه است؛ و بنابراین چقدر لحظات گرانبهاند. وقتی آدم می فهمد که حیاتش محدود است، همین حقیقت می تواند او را کمک به انجام انتخابات درست در زندگی کند. سعی کنید از خودتان بپرسید: واقعاً چقدر میل به زندگی دارم؟

در صورتی که جواب مثبت باشد: پس چه چیز می تواند برآستی به زندگی ام مفهوم بخشد؟ برای یک شخص ایماندار تنها خدا می تواند به زندگی انسان مفهوم بخشد. حیات انسان برای رشد او در هوش ادراک است برای اینکه بتواند بیشتر محبت کند و دوست بدارد... برآستی این نوع نگرش راه زیبایی برای ادامه دادن است. و اما برای ما ایمانداران آنچه موباهات و نجات ماست اطمینان به خداست؛ و با همین اطمینان است که حیات فعلی را ترک و از در مرگ گذشته وارد ابدیت می شویم.

آنگاه المیترا گفت، پرسش ما اکنون درباره مرگ است.

و او گفت: شما راز مرگ را خواهید دانست.

ولی چگونه این راز را خواهید یافت مگر آنکه آنرا در دل زندگی جستجو کنید؟

بوم که چشمان شبکارش در روز کور است نمی تواند پرده از راز روشنی بردارد.

اگر شما برآستی می خواهید از روان مرگ آگاه شوید دل خود را بر کالبد زندگی باز بگشائید.

زیرا زندگی و مرگ یکی است همانگونه که رود و دریا.

در ژرفای امیدها و آرزوهای شما دانش خاموشتان درباره جهان دیگر نهفته است؛

و مانند دانهائی که در زیر برف بخوابند دل شما بهار را بخواب می بیند.

به این خوابها امیدوار باشید زیرا در آنها دروازه ابدیت نهفته است.

بیم شما از مرگ نیست مگر همچون لرزش چوپانی که در برابر پادشاه ایستاده و شاه می خواهد برای سرافرازی وی دست خود را بر شانه اش گذارد.

آیا چوپان در زیر همان لرزش شادمان نیست که نشان شاه را با خود می برد؟

با این وصف آیا وی بیشتر نگران لرزش خود نیست؟

زیرا مردن چیست مگر برهنه در باد ایستادن و در آفتاب آب شدن؟

و پایان دم زدن چیست مگر آزاد کردن دم از سیلابهای بی تاب تا بتواند برون آید و باز شود و پروردگارا بی حجاب جويا شود؟

تنها آن هنگام که از رود خموشی می آشامید برآستی آواز خواهید خواند.

و چون به ستیغ کوه رسیدید آنگاه آغاز بالا رفتن می کنید.

و هنگامیکه خاک، پاهای شما را فرا خواند آن زمان است که برآستی پایکوبی می کنید.

برده شد. ایشان او را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند. در آنجا پیوسته در معبد می ماندند و خدا را حمد و سپاس می گفتند.

و اما عید پنطیکاست چیست؟

این کلمه به زبان یونانی یعنی "پنجاهه". هنگامی که پنجاه روز از رستاخیز مسیح (برخاستن از مرگ) گذشته بود، و رسولان عیسی به همراه مریم مادر عیسی پشت درهای بسته، در حال دعا بودند، ناگهان باد شدیدی برخاست و درهای بسته را گشوده به شکل زبانه های آتش به سر هریک قرار گرفت. این روح القدس بود که بر ایشان فرود آمده بود. پس همه ایشان بدون ترس به خیابانهای اورشلیم رفته و درباره خبر خوش پیروزی عیسی بر مرگ و فرود آمدن روح القدس، با همه مردم صحبت کردند. در آن روزها، یهودیان از سراسر دنیا به اورشلیم برای برگزاری عیدها آمده بودند. تعجب همه مردم اینجا بود که هرکس سخنان رسولان را در زبان خودش می شنید. بله دوستان عزیز، خدا می خواست که مژده پیروزی عیسی مسیح بر مرگ به سراسر دنیا برسد. و این چنین در روز پنطیکاست با فرود آمدن روح القدس، کلیسا متولد شد.

تولد کلیسا بر همگان مبارک باد!



عید صعود مسیح رستاخیز کرده به آسمان و عید پنطیکاست یا آمدن روح القدس

در انجیل لوقا باب ۲۴ از آیه ۴۴ وقتی عیسی رستاخیز کرده به شاگردان خود ظاهر شد به ایشان چنین فرمود: «این همان است که وقتی با شما بودم، می گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد». سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدس را درک کنند. و به ایشان گفت: «نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود. شما شاهدان این امور هستید. من موعود پدر خود را بر شما خواهم فرستاد؛ پس در شهر بمانید تا آنگاه که از اعلی با قدرت آراسته شوید.»

سپس ایشان را بیرون از شهر تا نزدیکی بیت عنیا برد و دستهای خود را بلند کرده، برکتشان داد؛ و در همان حال که برکتشان می داد از آنان جدا گشته، به آسمان

آیا شیطان وجود دارد؟ آیا خدا شیطان را خلق کرد؟

استاد دانشگاه با این سؤال ها شاگردانش را به چالش ذهنی کشاند.

آیا خدا هر چیزی که وجود دارد را خلق کرد؟

شاگردی با قاطعیت پاسخ داد: «بله او خلق کرد»

استاد پرسید: «آیا خدا همه چیز را خلق کرد؟»

شاگرد پاسخ داد: «بله ، آقا»

استاد گفت: «اگر خدا همه چیز را خلق کرد ، پس او شیطان را نیز خلق کرد. چون شیطان نیز وجود دارد و مطابق قانون که کردار ما نمایانگر ماست»

شاگرد آرام نشست و پاسخی نداد. استاد با رضایت از خودش خیال کرد بار دیگر توانست ثابت کند که عقیده به مذهب افسانه و خرافه ای بیش نیست.

شاگرد دیگری دستش را بلند کرد و گفت : «استاد می توانم از شما سئوالی بپرسم؟»

استاد پاسخ داد: «البته»

شاگرد ایستاد و پرسید: «استاد ، سرما وجود دارد؟»

استاد پاسخ داد: «این چه سئوالی است البته که وجود دارد. آیا تاکنون حسش نکرده ای؟»

شاگردان به سؤال مرد جوان خندیدند.

مرد جوان گفت: «در واقع آقا ، سرما وجود ندارد. مطابق قانون فیزیک چیزی که ما از آن به سرما یاد می کنیم در حقیقت نبودن گرماست. هر موجود یا شی را می توان مطالعه و آزمایش کرد وقتی که انرژی داشته باشد یا آنرا انتقال دهد. و گرما چیزی است که باعث می شود بدن یا هر شی انرژی را انتقال دهد یا آنرا دارا باشد. صفر مطلق ($F - 460$) نبود کامل گرماست. تمام مواد در این درجه بدون حیات و بازده می شوند. سرما وجود ندارد. این کلمه را بشر برای اینکه از نبودن گرما توصیفی داشته باشد خلق کرد.»

شاگرد ادامه داد: «استاد تاریکی وجود دارد؟»

استاد پاسخ داد: «البته که وجود دارد.»

شاگرد گفت: «دوباره اشتباه کردید آقا! تاریکی هم وجود ندارد. تاریکی در حقیقت نبودن نور است. نور چیزی است که می توان آنرا مطالعه و آزمایش کرد. اما تاریکی را نمی توان. در واقع با استفاده از قانون نیوتن می توان نور را به رنگهای مختلف شکست و طول موج هر رنگ را جداگانه مطالعه کرد. اما شما نمی توانید تاریکی را اندازه بگیرید. یک پرتو بسیار کوچک نور دنیایی از تاریکی را می شکند و آنرا روشن می سازد. شما چطور می توانید تعیین کنید که یک فضای به خصوص چه میزان تاریکی دارد؟ تنها کاری که می کنید این است که میزان وجود نور را در آن فضا اندازه بگیرید. درست است؟ تاریکی واژه ای است که بشر برای توصیف زمانی که نور وجود ندارد بکار ببرد.»

در آخر مرد جوان از استاد پرسید: «آقا ، شیطان وجود دارد؟»

زیاد مطمئن نبود. استاد پاسخ داد: «البته همانطور که قبلاً هم گفتم. ما او را هر روز می بینیم. او هر روز در مثال هایی از رفتارهای غیر انسانی بشر به همون خود دیده می شود. او در جنایتها و خشونت های بی شماری که در سراسر دنیا اتفاق می افتد وجود دارد. اینها نمایانگر هیچ چیزی به جز شیطان نیست.»

و آن شاگرد پاسخ داد: «شیطان وجود ندارد آقا. یا حداقل در نوع خود وجود ندارد. شیطان را به سادگی می توان نبود خدا دانست.

درست مثل تاریکی و سرما. کلمه ای که بشر خلق کرد تا توصیفی از نبود خدا داشته باشد. خدا شیطان را خلق نکرد. شیطان

نتیجه آن چیزی است که وقتی بشر عشق به خدا را در قلب خودش حاضر نبیند. مثل سرما که وقتی اثری از گرما نیست خود به خود می آید و تاریکی که در نبود نور می آید.

نام آن مرد جوان: آلبرت انیشتن

اخبار و تقویم کلیسایی

- یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۹۷ = ۶ می ۲۰۱۸، یکشنبه ششم رستاخیز

عهد عتیق: اشعیا فصل ۵۲ آیه ۷-۱۲

رساله: افسسیان فصل ۲ آیه ۴ الی آخر

انجیل: یوحنا فصل ۱۷ آیه ۱۱ الی ۲۶

- پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۹۷ = ۱۰ می ۲۰۱۸، عید صعود مسیح به آسمان، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۰ صبح در کلیسای

حضرت یوسف و حضرت مریم برگزار می گردد.

عهد عتیق: کارهای رسولان فصل ۱ آیه ۱۱ الی ۱۴

رساله: اول تیماتائوس فصل ۱ آیه ۱۸ الی فصل ۲ آیه ۱۵

انجیل: لوقا فصل ۲۴ آیه ۳۶ الی ۵۳

- یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۹۷ = ۱۳ می ۲۰۱۸، یکشنبه هفتم رستاخیز

عهد عتیق: کارهای رسولان فصل ۱ آیه ۱۵-۲۶

رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۲۷ الی فصل ۲ آیه ۱۱

انجیل: مرقس فصل ۱۶ آیه ۹ الی ۲۰

- سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ۹۷ = ۱۵ می ۲۰۱۸، عید حضرت مریم نگهبان زراعت کشاورزی، نماز قربانی مقدس در کلیسای

حضرت مریم ساعت ۵ بعدازظهر برگزار می گردد.

رساله: کارهای رسولان فصل ۱ آیه ۸-۱

انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲ متی فصل ۱۳ آیه ۵۳-۵۷ لوقا فصل ۱۱ آیه ۲۷-۲۸

- یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۹۷ = ۲۰ می ۲۰۱۸، عید نزول روح القدس بر شاگردان.

عهد عتیق: کارهای رسولان فصل ۲ آیه ۱-۲۱

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۲ آیه ۱-۲۷

انجیل: یوحنا فصل ۱۴ آیه ۱۵-۱۶ . ۲۵-۲۶ یوحنا فصل ۱۵ آیه ۲۶ الی فصل ۱۶ آیه ۱۵

- یکشنبه ۶ خرداد ۹۷ = ۲۷ می ۲۰۱۸، یکشنبه دوم رسولان

عهد عتیق: کارهای رسولان فصل ۴ آیه ۵-۲۲

رساله: اول قرنتیان فصل ۵ آیه ۶ الی فصل ۶ آیه ۱۱

انجیل: لوقا فصل ۷ آیه ۳۱ الی آخر باب

- پنجشنبه ۱۰ خرداد ۹۷ = ۳۱ می ۲۰۱۸، عید تن مقدس مسیح و پایان ماه حضرت مریم، نماز قربانی مقدس در کلیسای

حضرت مریم ساعت ۵ بعدازظهر برگزار می گردد.

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۱ آیه ۲۳-۳۰

انجیل: یوحنا فصل ۶ آیه ۵۱-۶۴

* یادآوری می شود در طول ماه می (ماه حضرت مریم) دعای تسبیح هر روزه ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر در کلیسای

حضرت یوسف و مریم تلاوت می گردد.